

ابراهیم ابن مسلم

در تعزیهٔ طفلان مسلم

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

صبا دمی ز برای خدا و راه صواب
بیاز کوفه به بطحاء گذر نما به شتاب
ببر پیام صغیران بی کس مضطر
به پای بوس حسین سبط ساقی کوثر
بگو بکوفه میا یا حسین امام زمان
که اهل کوفه شیریند مرتد و بد نام

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

ای شریح ، حق خداوند جهان
راستی را در بر ما کن بیان
از چه بابت آه و زاری می کنی
بهر چه گو بی قراری می کنی

می‌نمایی هر زمان بر ما نظر
می‌کشی تو آه سردی از جگر

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

خواهش ما هست این ای خوش سخن
کن روان ما را تو بر سوی وطن
توشه ره بهر ما آماده ساز
همره يك كاروان سوی حجاز

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

خدا حافظ شریح نیک منظر
نما قربت تو زحمتها سراسر
خدا حافظ ایا شیخ وفادار
که ما زحمت به تو دادیم بسیار

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

الا ای هادی نیکو شمایل
به زعم خویشان بر ما دلایل

آفگار : آزرده ، خسته

بتول : لقب حضرت فاطمه

بَطحاء : محلی نزدیک مکه

زَعَم : گمان ، پندار

صواب : راست و درست

عریضه : نامه

فریضه : واجب

مُخَبِّر : خبر دهنده ، آگاه کننده

مهجور : جدا مانده ، دور افتاده

نورسته : تازه روییده

ببین شد کاروان مانندیم بر جا
بنالیم این زمان از پرده دل

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

خداحافظ که ما رفتیم و رفتیم
دعایی بر شما گفتیم و رفتیم

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

یتیمی درد بی درمان یتیمی
یتیمی خواری دوران یتیمی
یتیمی بد بلا نیست ای عزیزان
بُودِ دردی که او را نیست درمان

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

الهی طفل بی بابا نباشد
یتیم خوار در دنیا نباشد

ز دست حارث شوم بداختر
یقین رأست جدا گشته ز پیکر

ای برادر ای برادر

محمد ای ضیاء دیده تر

مگر در خواب رفتی ای برادر

برادر خیز خود اینجا وطن نیست

در اینجا سدر و کافور و کفن نیست

بیا جانا ببندم چشمه‌هایت

کشم رو سوی قبله دست و پایت

روم ز شوق کنون جانب رسول الله

اقول اشهد ان لا اله الا الله

پایان

یتیمان چون زر بی سکه باشند
بمیرند بهتر است تا زنده باشند

[مصرع های زیر هم خوانی با محمد ابن مسلم]

عليك ای گله غم را تو چوپان

دو بی یار و غریب بی جاه و منزل

دو صد پاره به قربان حسین شد

سر دارالعماره بر قناره

بدان مسلم پسر عم حسین است

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

خدا اجرت دهد ای مرد چوپان

که احسان کرده ای این شیر بانان

بخواهیم يك زمان ما استراحت

پیمبر در جزا بدهد برات

بده تو مهلت تا طی این نزاع کُنم
به روی نعلش برادر دمی وداع کُنم

برادر محمد ، کجایی برادر

برادر محمد ، کجایی برادر

کجا افتاده ای جان برادر

چرا از من جدایی ای برادر

برادر محمد ، کجایی برادر

برادر محمد ، کجایی برادر

برادر هجر تو بُرده ز هوشم

صدای تو نمی آید به گوشم

برادر محمد ، کجایی برادر

برادر محمد ، کجایی برادر

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]
بدان ای مرد ما بشکسته بالیم
دو طفل مسلم بی غمگساریم
به صحرا نابلد گم کرده راهیم
ز هجران پدر از غم بنالیم

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]
خداحافظ ایا ای مردِ چوپان
دهد اجرت حسین سلطان خوبان
کشیدی بهر ما رنج فراوان
شود راضی ز تو فردِ جهانبان

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]
بیا ظالم بما کمتر جفا کُن
بیا از روی پیغمبر حیا کُن

نه آخر ما ز اولاد رسولیم
گُل نورستهء باغ بتولیم
چه جُرمی سر زده از ما دو بی کس
کس هر بی کسان فریاد ما رس

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

گو با حسین باد صبا از محنت ما طفلها
باشیم اسیر اشقیاء رو سوی زندان می رویم

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

ما طفل زار بی کسیم بی یاور بی غم رسیم
بیچاره و بی مونسیم، رو سوی زندان می رویم
دریغا گشته زندان منزل ما
دریغا در زمان خرد سالی
دریغا مادرم مَخْبِر نباشد

ما نه آخر به تو مهمان تویم
تو بیا قلب یتیمان مخراش
حلقهء بندگی ام کُن در گوش
منما ما دو یتیم را نومید
تو بیا رحم به این طفلان کُن

ای حارث شوم و دغا

بر ما مکن ظلم و جفا

کُن شرم از روی خدا

اول مرا بنما شهید

بوسم دو دستت ای دغا

زود آی از راه جفا

اول سر من کُن جدا

اول مرا بنما شهید

به نزد مادر عالیجناب مهجوری
سلام ما به تو مادر ز راه دور دراز
فراق روی تو مادر دلم بیازرده
ببوس در عوضم خواهر عزیزم را
دریغ درد نشد دیدن تو ای مادر
در این زمان که نویسم نامه، ای مادر
نما تو قطع نظر مادر دل افگارم
ز قول ما تو سلامی به شاه مظلومان
[هم خوانی با محمد ابن مسلم]
بیا مادر ستان از ما عریضه
روان کن در مدینه چون فریضه
حارثا پیش بیا پیش بیا
مزن او را که ز غم افگار است

ایا زنجیر ای زنجیر زنجیر
ایا زنجیر ما مادر نداریم
ایا زنجیر رحمی ما غریبیم
ایا زنجیر ما آل رسولیم
بیا بابا نگر بر حال طفلان
بیا بابا نگر با ما چه کردن
بیا مادر بیاور نان و آبی
بیا مادر نگر درد دل من
بیا مادر نما درد دلم گوش
بیا مادر فدای آرزویت
بیا مادر بزن شانه به مویم

بیا مادر تو منما بی وفایی

بیا در پشت در کُن گریه ام گوش

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

آب و نان دادن بسی باشد ثواب
لیک داریم یك سـوالی ده جواب

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

ای تو شیخ نیک خواه پاک کیش
گو بما از دین و از آیین خویش

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

چون به دین مصطفی باشی مکین
که به او باشد وصی و جانشین

لباس شادیت آخر کفن شد

غریبی بهر ما آخر وطن شد

روان شو یگدمی در پیش رویم

زبان حال باشد گفتگویم

دریغ این قامت سرو خرامان

دم دیگر به خون سازند غلتان

دریغا مادرم مْخبر نباشد

از این غم چهره ماهش خراشد

محمد جان بیا رویت ببوسم

ز مرگت ای برادر در فسوسم

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

بده تو مهلت ما را به حالت افگار

که نامه ای بنویسیم نزد مادر زار

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

بده تو مهلت ما را تا که نماز کنیم
رخ نیاز به درگاه بی نیاز کنیم

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

اسیریم و غریب الله اکبر
ز بابا بی نصیب الله اکبر

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

خداوندا غریبان خوار و زارند
به ما فرما شکیب الله اکبر

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

بده تو مهلت ما را که تا ز جان کوشیم
لباس خویش به شکل کفن به هم پوشیم

برادر جان بیا با سوگواری
پیوشاتم کفن بر تو ز یاری

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

بعد مولانا امیر المؤمنین
گو که باشد اعتقادات ای حزین

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

با چنین خوش اعتقادی پس چرا
بسته ای ما را به زنجیر بلا

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

ما دو تن بینی که در قید غمیم
طف لکان بی نوای مسلمیم

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

شویم ضامن تو ما که در صف محشر
شفاعت تو نماید جناب پیغمبر

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

به مهمان کس نکرده ظلم ظالم
ظالم ، ما هر دو یتیمیم از غم دل دو نیمیم
خصوصاً ما که طفل بی پناهیم
ظالم ، ما هر دو یتیمیم از غم دل دو نیمیم

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

ای دوستداران این حارث دون
خواهد که ریزد از حلق ما خون
کُن رحم بر ما ای زشت ملعون
وداع گوئیم ما با هم اکنون
بی رحم حارث وای وای بر تو دخیلیم

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

کو مادر ما از دل خروشد
بر پیکر ما کفن بپوشد
در عزای ما از دل خروشد
بی رحم حارث وای وای بر تو دخیلیم

کجا رو آوریم اندر بیابان
غریب و بی پدر سر در گریبان
گماتم ای محمد زار و مضطر
که ره گم کرده ایم جان برادر

ای خداوند جهان رحم کُن بر بی کسان
راحم درماندگان شب سیه کو ماه من
ای خدا ای خدا کو رفیق راه من

من غریبم ای خدا بی نصیبم ای خدا
بی شکبیم ای خدا شب سیه کو ماه من
ای خدا ای خدا کو رفیق راه من

ای برادر ای برادر

کجا بودی تو ای جان برادر
شدم از دوریت محزون و مضطر

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

خدایا بی پدر بودن چه سخت است
حقیر هر نظر بودن چه سخت است
یتیمی درد بی درمان یتیمی
یتیمی خواری دوران یتیمی

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

ما دو تن بینی که در قید غمیم
طفلکان بی نوای مسلمیم

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

مزن ظالم که ما هر دو یتیمیم
ظالم ، ما هر دو یتیمیم از غم دل دو نیمیم
یتیمیم و غریبیم و الیمیم
ظالم ، ما هر دو یتیمیم از غم دل دو نیمیم

برایت بی قرار و بس شتابان
به هر سو می دویدم در بیابان
ز جا برخیز ای جان برادر

محمد جان ضیاء دیده^۶ تر
بیا جانا تو را بر دوش گیرم

بسان گل تو را آغوش گیرم
کمی زین دشت وحشترا جلوتر

رویم ای نورعین با حال مضطر
سواد نخل ها بینم نمایان

یقین باغی است ای نور دو چشمان
شتابان تا به آنجا ره سپاریم

که شاید خستگی از تن براریم

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

یتیمی درد بی درمان یتیمی
یتیمی خواری دوران یتیمی
یتیمی خوار می سازد شهان را
یتیمی پیر می سازد جوان را

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

نام ما افزونه درد و غم است
گر بدانی باب ما را مسلم است
کشته شد مسلم ز دست کوفیان
او شهید و ما غریب و لامکان

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

ایا ضعیفه تو ما را مبر به خانه خویش
که ما ستم زده گان را بسی بود تشویش
ترحمی کن ، بگذار ما نهان باشیم
که شاید از ستم چرخ در امان باشیم

[هم خوانی با محمد ابن مسلم]

دهد خیرالنساء اجر تو ای زن
کشیدی ز حمتی بر وجه احسن
بدان از رنج ره در پیچ و تابیم
بیفکن رختخوابی تا بخوابیم

از خواب ناز ای مستمند

برخیز با صوت بلند
بر حال زار یکدگر

افغان برآریم از جگر

در خواب دیدم یا اخاء

با بام به نزد مصطفی

گفتا چه کردی طفلها

گفتا رسند اینک ز راه
